
بیداد همایونی مطالبه‌گران
نقد جامع و افشای کتابچه «هرسطر یک روایت»
پاسخی مستند به تلاش برای ناکارآمدی سازمان تأمین اجتماعی
و آماده سازی افکار عمومی برای انحلال سازمان
از روایت تا واقعیت
سازمان تأمین اجتماعی
SOCIAL SECURITY ORGANIZATION
درمان رایگان حق مسلم ماست
تأمین اجتماعی میراث ماست نه بدهی دولت
نه به انحلال تأمین اجتماعی
حقوق بازنشستگان خط فقر نیست
@SABA_RASANEHH
نویسنده: مهران نظری
از انتشارات کانال خبری صبا رسانه
(کارگران و بازنشستگان)

📑فهرست مطالب

پیشگفتار

ملت شریف ایران، کارگران سخت‌کوش، بازنشستگان گران‌قدر و همه دغدغه‌مندان عدالت اجتماعی؛ سازمان تأمین اجتماعی، صرفاً یک دستگاه اجرایی یا یک نهاد اداری نیست؛ حاصل دهه‌ها کار، رنج، پس‌انداز و اعتماد میلیون‌ها زن و مردی است که با پرداخت حق بیمه، آینده خود و خانواده‌شان را به صندوقی سپرده‌اند که مالک واقعی آن، بیمه‌شدگان و نسل‌های متوالی کارگران این سرزمین هستند. این سازمان نه با بودجه عمومی، بلکه با اندوخته کسانی شکل گرفته است که چرخ تولید و اقتصاد کشور را به حرکت درآورده‌اند.

در روزهای اخیر، کتابچه‌ای با عنوان «هر سطر، یک روایت» منتشر شده است؛ اثری که می‌کوشد با بهره‌گیری از روایت‌های احساسی و داستان‌پردازی، ذهن مخاطب را به این نتیجه برساند که مشکلات امروز تأمین اجتماعی، تنها با تغییر بنیادین ساختار آن و انتقال وظایف و منابعش قابل حل است. حال آنکه بسیاری از دشواری‌های کنونی، نه محصول ماهیت سازمان، بلکه نتیجه سال‌ها مداخله دولت‌ها، تحمیل تعهدات خارج از قانون، عدم پرداخت بدهی‌های انباشته، سوءمدیریت‌های مقطعی و دست‌اندازی به منابع بین‌النسلی بیمه‌شدگان است.

هیچ انسان منصفی منکر وجود مشکلات و ضرورت اصلاح در نظام تأمین اجتماعی نیست. اما اصلاح، با تضعیف مالکیت بیمه‌شدگان، تجزیه ارکان سازمان یا انتقال منابع و اختیارات آن تفاوتی بنیادین دارد. آنچه نیازمند اصلاح است، شیوه حکمرانی، اجرای قانون، ایفای تعهدات دولت و صیانت از حقوق صاحبان واقعی این سرمایه عظیم ملی است؛ نه از میان برداشتن ساختاری که سرمایه آن، حاصل ده‌ها سال پرداخت حق بیمه میلیون‌ها کارگر و بازنشسته است.

کتابی که پیش روی شماست، نه از سر تعصب و نه در مخالفت با هرگونه اصلاح نگاشته شده است. این نوشته تلاشی است برای بازخوانی واقعیت‌هایی که در پس روایت‌های احساسی پنهان مانده‌اند؛ واقعیت‌هایی که از زبان کارگران، بازنشستگان، کارشناسان مستقل و تجربه تاریخی این سازمان سخن می‌گویند. در این صفحات، کوشش شده است میان «روایت» و «واقعیت»، «تبلیغ» و «تحلیل»، و «اصلاح» و «استحاله» تمایزی روشن ترسیم شود.

امید آن است که خواننده، پیش از آنکه تحت تأثیر احساسات برآمده از داستان‌ها قرار گیرد، با نگاهی مبتنی بر قانون، انصاف، منافع ملی و حقوق بین‌النسلی بیمه‌شدگان، درباره آینده بزرگ‌ترین نهاد بیمه‌ای کشور داوری کند؛ نهادی که حفظ استقلال، هویت و دارایی‌های آن، نه مطالبه یک گروه خاص، بلکه دفاع از حق میلیون‌ها ایرانی است که سرمایه عمر خویش را به امانت در آن نهاده‌اند.

قبل از مطالعه این نوشتار می توانید کتابچه «هر سطر، یک روایت» که توسط هیئت امنای سازمان تامین اجتماعی منتشر شده را از طریق لینک زیر مطالعه کنید.

https://drive.google.com/file/d/1oeMxSymsgYCj_1GLY1e9alg_hHk7qZvD/view?usp=drivesdk

بیداد همایونی مطالبه گران
باری اندر کس نمی بینیم یاران را چه شد ؟
دوستی کی آخر آمد ؟ دوستداران را چه شد ؟

📄نقد جامع و افشای کتابچه (هر سطر، یک روایت)

🔴هشدار قرمز: نقشه انحلال تأمین اجتماعی با پوشش داستانهای احساسی

نویسنده : مهران نظری
تاریخ انتشار: تابستان ۱۴۰۵
موضوع: نقد حقوقی، اقتصادی و سیاسی بر لایحه اصلاح نظام تأمین اجتماعی و ایجاد نظام جدید تأمین اجتماعی

فصل اول: مقدمه تحلیلی

چرا این کتابچه نوشته شد؟

کتابچه «هر سطر، یک روایت» به قلم شهاب‌الدین فولادی مقدم (کارشناس دبیرخانه هیئت امنای سازمان تأمین اجتماعی) و با حمایت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی منتشر شده است. این کتابچه در نگاه اول، مجموعه‌ای از داستان‌های انسانی درباره مشکلات کارگران و بازنشستگان به نظر می‌رسد، اما بررسی دقیق نشان می‌دهد که این اثر، یک عملیات روانی (پروپاگاندا) با اهداف زیر است:

۱ .تکنیک مهندسی عواطف:
نویسنده با خلق شخصیت‌های خیالی (یاسر، سلمان، عطیه، سبحان، جعفر و شهربانو) و بهره‌گیری از احساسات مخاطب، سعی دارد تصویری وارونه از سازمان تأمین اجتماعی ارائه دهد. این تکنیک با هدف جابجایی مقصر طراحی شده است: دولت که بزرگترین بدهکار سازمان است، به عنوان ناظر بی‌تقصیر معرفی می‌شود و سازمان که قربانی اصلی این بدهی‌هاست، به عنوان عامل ناکارآمدی و ظلم به مردم معرفی می‌گردد.

۲ .تغییر رژیم حقوقی:
هدف نهایی این روایت‌ها، ایجاد پذیرش اجتماعی برای تغییر ماهیت حقوقی سازمان تأمین اجتماعی

است. این تغییر شامل:

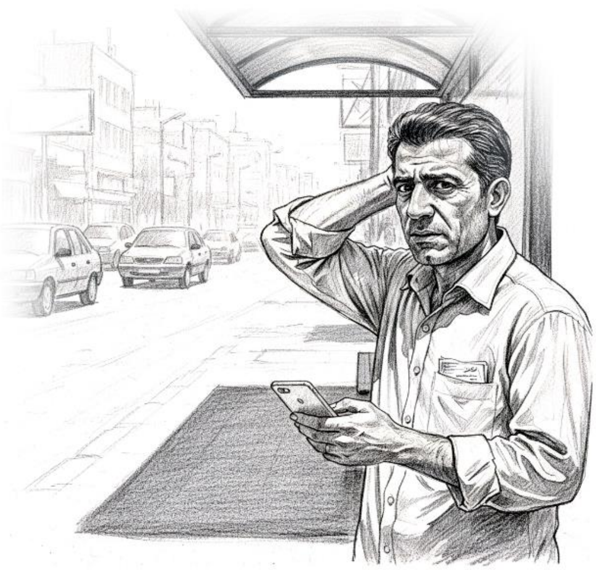
- **انتقال تعهد درمان از سازمان به دولت (مالیات) و بخش خصوصی (بیمه تکمیلی)**
- **انتقال دارایی‌های ملکی، بیمارستان‌ها و شرکت‌های شستا به دولت**
- **جایگزینی نظام بین‌نسلی (همبستگی اجتماعی) با حساب‌های فردی**

۳ .فرار از بدهی‌های قطعی دولت:
بر اساس گزارشهای غیر رسمی ، بدهی قطعی دولت به سازمان تأمین اجتماعی تاکنون نزدیک ۵۰۰۰ هزار همت برآورد شده است. این کتابچه با سانسور این واقعیت، تلاش دارد افکار عمومی را متقاعد کند که مشکلات سازمان، ناشی از ناکارآمدی داخلی است تا دولت بتواند از زیر بار پرداخت این بدهی شانه خالی

کند و در عین حال، اموال سازمان را مصادره نماید.

فصل دوم: نقد و افشای هر شش روایت (جوابیه‌های کامل)

جوابیه اول: یاسر و ایستگاه اتوبوس



اصل روایت:

»یاسر زیر سایه باریک ایستگاه اتوبوس ایستاده بود و با آستین خیسش عرق پیشانی را پاک می‌کرد. گوشی را برای چندمین بار روشن کرد، هیچ پیام جدیدی نبود. دو ماه از تعدیل نیرو گذشته بود و حالا برای دومین بار از شعبه تأمین اجتماعی برمی‌گشت، بدون نتیجه. کارمند پشت باجه فقط گفته بود «پرونده‌ات هنوز بررسی نشده»«.

نقد حقوقی (نقض مواد ۲۸، ۳۶ و قانون بیمه بیکاری):

۱ .بدهی قطعی دولت؛ بزرگترین مانع برقراری مستمری:

بر اساس ماده ۲۸ قانون تأمین اجتماعی، دولت مکلف است سهم خود (معادل ۳ درصد از حق بیمه کارگران دولتی) را به سازمان پرداخت کند. بر اساس ماده ۳۶، دولت باید برای کارگران قراردادهای عمرانی، سهم بیمه را به موقع پرداخت نماید. بر اساس گزارش های عیر رسمی با احتساب تورم سالهای اخیر رقم بدهی های دولت ها به سازمان تأمین اجتماعی نزدیک به ۵۰۰۰ همت تخمین زده میشود . اگر این بدهی پرداخت می‌شد، نه تنها پرونده یاسر فوری برقرار می‌شد، بلکه سازمان با مازاد منابع مواجه می‌گشت.

نویسنده با سانسور این واقعیت، تقصیر را به گردن سازمان می‌اندازد.

۲ .ماده ۷ قانون بیمه بیکاری (تعهد به پرداخت مقرری):
بر اساس ماده ۷ قانون بیمه بیکاری (مصوب ۱۳۶۹)، کارگرانی که به دلیل تعدیل نیرو بیکار می‌شوند، تا ۳۶ ماه (۳ سال) مقرری بیمه بیکاری دریافت می‌کنند. پرداخت این مقرری بر عهده سازمان است. اگر یاسر واقعاً کارگر بوده و قرارداد داشته، سازمان موظف بوده ظرف ۱۵ روز کاری نسبت به برقراری مقرری اقدام کند. اگر این اتفاق نیفتاده، دلیلش یا ارسال نکردن لیست توسط کارفرما است یا عدم تکمیل مدارک توسط خود یاسر. در هر دو صورت، این یک نقص اجرایی است، نه نقص ساختاری که نیاز به انحلال سازمان داشته باشد.

۳ .کشف هدف پنهان (حذف نظام شعبات):
این روایت، مقدمه‌ای برای حذف نظام شعبات و تبدیل همه فرآیندها به سامانه‌های الکترونیکی است. عملا با حذف شعبات، دیگر هیچ کارمند پاسخگویی برای یاسر وجود نخواهد داشت و او در فضای مجازی سرگردان می‌شود.

🎯جمع‌بندی سیاسی:

یاسر باید از دولت شکایت کند که بدهی‌اش را پرداخت نمی‌کند، نه از سازمان. لایحه جدید با تغییر نظام وصول حق بیمه به مالیات، عملاً بدهی‌های انباشته دولت را تکلیفاً بخشیده و کارگر را به سمت شرکت‌های خصوصی بیمه سوق می‌دهد.

جوابیه دوم: سلمان و مرگ در روستا



🖋اصل روایت:
»سلمان همیشه می‌گفت مرد روستاست و به درد عادت دارد. آن شب سر سفره شام، سعی کرد برای بچه‌ها لبخند بزند، اما نفسش سنگین شده بود. چند دقیقه بعد، قلب سلمان ایستاد. نزدیک‌ترین درمانگاه چندین کیلومتر دورتر بود و آمبولانس دیر رسید«.

⚖نقد حقوقی (نقض اصل ۲۹، مواد ۵۴، ۵۵ و ۸۹):

.تقصیر دولت (نقض اصل ۲۹ قانون اساسی):
متن اصل ۲۹: «برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کار افتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی، حقی است همگانی و دولت موظف است طبق قانون از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یکایک افراد کشور تأمین کند.» مشکل «دسترسی به درمان در روستاها» یک مشکل زیرساختی کشور است که ریشه در کمبود بودجه عمرانی دولت دارد، نه عملکرد سازمان تأمین اجتماعی.

۲ .تعهد سازمان طبق ماده ۵۴ (درمان رایگان):
متن ماده ۵۴: «بیمه‌شدگان و افراد خانواده آنها می‌توانند از خدمات درمانی، به طور رایگان، در مراکز درمانی سازمان استفاده نمایند...» اگر سازمان در آن روستا مرکز ملکی ندارد، تقصیر سازمان نیست.

۳ .تعهد سنگین سازمان طبق ماده ۵۵ (خرید خدمت و اعزام به خارج):

متن ماده ۵۵: «در مواردی که سازمان مراکز درمانی ملکی نداشته و یا نتواند خدماتی را که به موجب قانون متعهد شده است در مراکز خود ارائه دهد، موظف است خدمات درمانی موضوع ماده ۵۴ را از مراکز درمانی غیرملکی (دولتی یا خصوصی) خریداری نماید و در صورت لزوم، بیمه‌شده و یک نفر همراه او را به مراکز درمانی داخل یا خارج از کشور اعزام نماید.» اگر سلمان واقعاً به آمبولانس و درمان فوری نیاز داشته،

سازمان وظیفه قانونی داشته که برای او آمبولانس خصوصی اجاره کند. اگر این کار را نکرده، سازمان مرتکب تخلف قانونی شده است.

۴ .تناقض امانت‌داری (نقض ماده ۸۹):
متن ماده ۸۹: سازمان مکلف است «در زمان بازنشستگی، ماهانه مبلغ ۲ درصد از مستمری را بابت هزینه‌های درمانی» کسر کند. لایحه جدید به جای اینکه سازمان را ملزم به پرداخت این ۲ درصد به خود بیمه‌شده کند، می‌خواهد کل تعهد درمان را از سازمان سلب کند.

۵ .فاجعه بیمه تکمیلی؛ هزینه مضاعف بر دوش کارگر:
در لایحه جدید، سازمان از هرگونه تعهد درمانی شانه خالی می‌کند و بیمه تکمیلی (با نرخ‌های آزاد) به صورت اجباری به کارگران تحمیل خواهد شد.

🎯جمع‌بندی سیاسی:
سلمان نه به خاطر وجود سازمان، بلکه به خاطر «نبود نظارت» بر اجرای مواد ۵۴ و ۵۵ جان باخت. لایحه جدید، با حذف مسئولیت درمان سازمان، عملاً به دولت و سازمان اجازه می‌دهد تا از زیر بار مواد ۵۴، ۵۵ و ۸۹ شانه خالی کنند.

📄جوابیه سوم: عطیه و ماشین‌آلات



🖋اصل روایت:
«عطیه هنوز مطمئن نبود سال جدید برایش چگونه شروع خواهد شد. کارفرما به او گفته بود از ابتدای سال به دنبال شغل دیگری باشد و قرارداد جدیدی در کار نخواهد بود. این دومین بار بود که اشتغال عطیه به دلیل جایگزینی ماشین‌آلات با نیروی انسانی از بین می‌رفت».

⚖نقد اقتصادی و حقوقی (نقد ماده ۴۱ و تحلیل رفتار کارفرما):

۱ .تحلیل نادرست از رفتار کارفرما:
در علم اقتصاد، تصمیم کارفرما برای جایگزینی نیروی کار با سرمایه به نرخ بهره بانکی (هزینه تأمین سرمایه) و نرخ دستمزد (هزینه نیروی کار) بستگی دارد. در ایران، به دلیل نرخ سود بانکی بالا (بیش از ۲۰ درصد) و دستمزدهای پایین، کارفرما ترجیح می‌دهد نیروی کار ارزان استخدام کند.

۲ .بررسی ماده ۴۱ قانون تأمین اجتماعی (سهم کارفرما):
متن ماده ۴۱ :
متن ماده ۴۱:در مواردي كه نوع كار ايجاب كند سازمان می تواند با پيشنهاد هيات مديره و تصويب شوراي عالی نسبت مزد را به كل كار انجام يافته تعيين و حق بيمه متعلق را به همان نسبت مطالبه و وصول نمايد.
نرخ حق بیمه مجموعاً ۳۰ درصد است که ۷ درصد سهم بیمه‌شده، ۲۳ درصد سهم کارفرما و سهم دولت معادل ۳ درصد است. در کشورهای اروپایی، سهم کارفرما بین ۳۰ تا ۴۰ درصد است. پس سهم ایران پایین است، نه بالا.

۳ .نقد پیشنهاد مالیاتی (مالیات بر سود):
نویسنده پیشنهاد می‌کند به جای حق بیمه، از طریق مالیات بر سود، منابع تأمین شود. اما بر اساس ماده

۱۰۵ قانون مالیات‌های مستقیم، کارفرمایان می‌توانند با هزینه‌های ساختگی، سود خود را صفر نشان دهند.
نتیجه این تغییر: سازمان ورشکسته می‌شود.

🎯جمع‌بندی سیاسی:
عطیه قربانی رانت‌خواری بانکی و قوانین ضدتولید است. لایحه با تغییر پایه مالیاتی، به کارفرمایان فرصت می‌دهد تا از هرگونه تعهد اجتماعی فرار کنند.

📄جوابیه چهارم: سبحان و رانندگی اسنپ



🖊اصل روایت:
»سبحان بعد از تعطیلی کارگاه، سه سال پیش با خرید یک پراید قسطی وارد اسنپ شد. او فکر می‌کند اگر یک روز تصادف بدی کند، اگر دیگر نتواند کار کند، چه چیزی برای خانواده‌اش می‌ماند؟ نه کارفرمایی دارد، نه قرارداد ثابتی، نه بیمه‌ای که خیال آدم را کمی راحت کند«.

⚖️نقد حقوقی (نقد ماده ۳۸ قانون کار و بررسی خلاهای قانونی):

۱ .ماده ۳۸ قانون کار:
سبحان با اسنپ قرارداد کار ندارد؛ بلکه یک قرارداد پیمانکاری دارد. اما بر اساس ماده ۵ قانون تأمین

اجتماعی، سازمان موظف است «همه کسانی را که به هر عنوان در مقابل دریافت مزد یا حقوق کار می‌کنند» بیمه کند.

۲ .نقد طرح‌های موجود:
سازمان تأمین اجتماعی برای مشاغل آزاد، طرح «بیمه فراگیر» را دارد. لایحه جدید، با حذف تعهد سازمان نسبت به مشاغل پلتفرمی، عملاً به اسنپ و دیوار مجوز بی‌بیمه کردن میلیون‌ها راننده را می‌دهد.

۳ .کشف هدف پنهان (فردی سازی تأمین اجتماعی):
در لایحه جدید، بیمه به صورت اختیاری و فردی طراحی شده است. یعنی اگر سبحان یک ماه نتواند حق بیمه بپردازد، تمام سوابق قبلی‌اش از بین می‌رود.

🎯جمع‌بندی سیاسی:
سبحان قربانی خلا قانونی در حوزه اقتصاد دیجیتال است. راه‌حل، اصلاح قانون برای الزام پلتفرم‌ها به بیمه است، نه انحلال سازمان.

📄جوابیه پنجم: جعفر و مستمری



🖋اصل روایت:
بلند شو آقا، اینجا نمی‌تونی بشینی». این جمله‌ای بود که نگهبان بانک کنار شعبه تأمین اجتماعی به جعفر گفت. جعفر مدتی است برای برقراری مستمری خود اقدام کرده، اما به دلیل نقص اطلاعات بخشی سال‌های سابقه بیمه‌اش، هنوز مستمری او برقرار نشده است«.

⚖️نقد حقوقی (نقض ماده ۳۹ و مسئولیت کارفرما):

۱ .مسئولیت کارفرما در ثبت سوابق (ماده ۳۹):
کارفرما مکلف است لیست بیمه را هر ماه ارسال کند. اگر جعفر سابقه دارد و سازمان آن را ندیده، تقصیر کارفرمای سابق است.

۲ .قانون بخشودگی جرائم بیمه تأمین اجتماعی:
کارگران می‌توانند با ارائه مدارک، سوابق خود را تکمیل کنند.

۳ .وعده مالیاتی؛ وابستگی مستمری به بودجه سالانه:
وابسته کردن مستمری به مالیات، یعنی هر سال که قیمت نفت پایین بیاید، حقوق بازنشستگان با تأخیر پرداخت می‌شود.

🎯جمع‌بندی سیاسی:
جعفر باید کارفرمای سابق خود را به مراجع قضائی معرفی کند، نه سازمان را.

📄جوابیه ششم: شهربانو و حق بیمه پیمان

🖊️اصل روایت:
»شهربانو به‌تازگی گزارشی برای یک نهاد سیاست‌گذاری تهیه کرده و حق‌الزحمه‌ای دریافت کرده است، اما مبلغ واریزی اختلاف فاحشی با رقمی دارد که در قرارداد پژوهشی ذکر شده بود. وقتی علت را می‌پرسد، به او می‌گویند: «برو از تأمین اجتماعی مفاصا حساب بگیر».«

⚖️نقد حقوقی (نقض بیمه پیمان و دفاع از ماده ۳۸ و ۴۷):

۱ .ماده ۳۸ و ۴۷ قانون تأمین اجتماعی (بیمه پیمان):
هر پیمانکاری که مفاصا حساب نداشته باشد، مشمول کسر ۱۵ درصد می‌شود. این قانون برای جلوگیری از فرار مالیاتی و بیمه‌ای پیمانکاران وضع شده است.

۲ .نقد تناقض نویسنده:
نویسنده از یک سو نگران «کسری منابع سازمان» است و از سوی دیگر، از «وصول حق بیمه پیمان» انتقاد می‌کند.

۳ .کشف هدف پنهان (بخشودگی میلیاردی بدهی پیمانکاران):
با انتقال وصول حق بیمه به سازمان مالیاتی، میلیاردها تومان از بدهی‌های پیمانکاران بزرگ بخشیده می‌شود.

🎯جمع‌بندی سیاسی:
شهربانو قربانی فرار مالیاتی پیمانکاران است، نه تأمین اجتماعی.

فصل سوم: بیانیه سیاسی هشدار قرمز

عنوان: عملیات روانی برای انحلال تأمین اجتماعی؛ هشدار به ملت ایران

ملت شریف ایران، کارگران زحمت‌کش، بازنشستگان عزیز و فعالان اجتماعی؛

اخیراً کتابچه‌ای به نام «هر سطر، یک روایت» با قلم شهاب‌الدین فولادی مقدم (کارشناس دبیرخانه هیئت امنای سازمان تأمین اجتماعی) و با حمایت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی منتشر شده است. این کتابچه با استفاده از تکنیک پروپاگاندا و داستان‌سرایی احساسی، سعی در القای ناکارآمدی سازمان تأمین اجتماعی و آماده‌سازی افکار عمومی برای انحلال این نهاد ارزشمند دارد.

افشای اهداف پشت پرده:

۱ .فرار از بدهی ۵۰۰۰ همتی دولت
۲ .مصادره اموال و دارایی‌ها (بیمارستان‌ها، شستا و املاک)
۳ .نابودی نظام بین‌نسلی
۴ .تحمیل هزینه مضاعف بر کارگران (بیمه تکمیلی)

ما به تمام کارگران، بازنشستگان، نمایندگان مجلس، شورای نگهبان و دیوان عدالت اداری هشدار می‌دهیم:

این لایحه، نه یک اصلاح، بلکه نسخه ایرانی طرح تثبیت اقتصادی صندوق‌ها در آمریکای لاتین است.

از شما می‌خواهیم:

·با امضای طومارها، مخالفت خود را اعلام کنید.
·از نمایندگان خود بخواهید این لایحه را رد کنند.
·این بیانیه را در فضای مجازی منتشر کنید.
تأمین اجتماعی، میراث گرانبهای کارگران است؛ نه گنجینه‌ای برای بدهی‌های دولت!
انالله و انااليه راجعون اگر تأمین اجتماعی را از ما بگیرند.

فصل چهارم: تغییر پارادایم از "حق بیمه" به "مالیات" ; مانور آزمایشی سلاح خاموش و فرار از مسئولیت

🔹مقدمه :آشنایی با مفاهیم بنیادین مالیات مستقیم و غیرمستقیم

پیش از ورود به تحلیل تغییر پارامتر، لازم است با مفاهیم پایه ی مالیاتی آشنا شویم، زیرا درک این مفاهیم، کلید فهم عمق بی عدالتیِ طرحهای اخیر است.

۱ .مالیات مستقیم

به مالیاتی گفته میشود که از درآمد، حقوق، سود یا دارایی اشخاص به طور مستقیم اخذ میشود و قابل انتقال به دیگری نیست.
مثالها: مالیات بر درآمد حقوق، مالیات بر سود شرکتها، مالیات بر درآمد اجاره، مالیات بر دارایی.

۲ .مالیات غیرمستقیم

به مالیاتی گفته میشود که بر مصرف، فروش یا معاملات کالا و خدمات وضع میشود و فروشنده آن را از خریدار دریافت کرده و به دولت واریز میکند. این مالیات قابل انتقال به مصرف کننده ی نهایی است.
مثالها: مالیات بر ارزش افزوده، مالیات بر واردات، عوارض گمرکی، مالیات بر کالاهای خاص (مانند سیگار و بنزین).

🔹بخش اول :مالیات بر ارزش افزوده؛ سلاح خاموش تغییر پارادایم

الف) چرا دولت مالیات غیرمستقیم را به مالیات مستقیم ترجیح میدهد؟

دولت در طرح همسانسازی صندوق بازنشستگی کشوری (بر اساس برنامه هفتم توسعه) و همچنین در لایحه ی «اصلاح نظام تأمین اجتماعی و ایجاد نظام جدید»، آگاهانه و استراتژیک، مالیات بر ارزش افزوده را به عنوان منبع تأمین مالیِ جایگزینِ حق بیمه انتخاب کرده است. این انتخاب، تصادفی یا مبتنی بر کارشناسیِ خنثی نیست؛ بلکه ناشی از مزایایِ پنهانِ مالیاتهای غیرمستقیم برای حکمرانی است:

۱ .وصولِ تضمینی و بدونِ مقاومت

مالیاتهای مستقیم به دلیل وجودِ روزنه هایِ فرار مالیاتی، نفوذِ اصناف و کارفرمایانِ بزرگ، و پیچیدگیِ محاسبه، همواره با کسریِ وصول مواجه بوده اند. اما مالیات بر ارزش افزوده، در لحظه ی خرید، به صورتِ خودکار از جیبِ مردم برداشت میشود و هیچ مقاومتی در برابرِ آن وجود ندارد. دولت با این انتخاب، منابعِ مالیِ خود را تضمین کرده و وابستگیِ خود به مالیاتهای مستقیم را کاهش میدهد.

۲ .پنهان بودنِ هزینه برای مردم

مردم در هنگامِ خرید، مالیاتِ ارزش افزوده را به عنوانِ بخشی از قیمتِ نهاییِ کالا میپردازند و اغلب، متوجهِ سهمِ مالیاتیِ آن نمیشوند. این پنهان بودن، باعث میشود که واکنشِ اجتماعیِ کمتری نسبت به افزایشِ مالیاتها شکل بگیرد و دولت بتواند بدونِ ایجادِ التهابِ عمومی، منابعِ موردِ نیازِ خود را تأمین کند.

۳ .گستردگیِ پایه ی مالیاتی

مالیات بر ارزش افزوده، همه ی آحادِ ملت (اعم از فقیر و غنی، بیمه شده و بیمه نشده، کارگر و کارفرما، دانشجو و خانهدار) را در بر میگیرد. این گستردگی، پایه ی مالیاتی را به حداکثر ممکن می رساند و دولت را از نیاز به شناساییِ دقیقِ مؤدیانِ مالیاتی بی نیاز میکند.

ب (بی عدالتیِ مضاعف در انتخابِ مالیاتِ غیرمستقیم

۱ .مالیات بر مصرف؛ مالیاتِ فقر

مالیات بر ارزش افزوده، بر پایه ی «مصرف» وضع میشود. اقشارِ کم درآمد، مجبور هستند بخشِ بزرگی از

درآمدِ خود را صرفِ مصرفِ کالاهایِ ضروری (خوراک، پوشاک، مسکن، دارو و...) کنند. در نتیجه، سهمِ مالیاتِ ارزش افزوده از درآمدِ آنها، به مراتب بیشتر از سهمِ آن از درآمدِ افرادِ پردرآمد است. این پدیده، در علمِ اقتصاد به «مالیاتِ تصاعدیِ معکوس» معروف است؛ یعنی هرچه فقیرتر باشی، درصدِ بیشتری از درآمدت را مالیات میدهی.

۲ .تبعیضِ مضاعف علیه بیمه شدگانِ تأمین اجتماعی

·بیمه شدگانِ تأمین اجتماعی (که خود، ماهانه حقِ بیمه پرداخت میکنند) و افرادِ بیمه نشده، هر دو، موظف به پرداختِ مالیات بر ارزش افزوده هستند.
·اما منابعِ حاصل از این مالیات، صرفاً به صندوقِ کشوری اختصاص داده شده است و سازمانِ تأمین اجتماعی، هیچ ریالی از آن دریافت نمیکند.
·این یعنی کارگرِ تأمین اجتماعی، هم حقِ بیمه ی خود را میپردازد، هم از طریقِ مالیاتِ مصرف، هزینه ی همسانسازیِ حقوقِ یک کارمندِ کشوری را تقبل میکند، اما خودش از این همسانسازی بی بهره میماند.

۳ .تناقضِ استدلالِ دولت

دولت، برای محروم کردنِ تأمین اجتماعی از این مالیات، به «غیر دولتی بودن» آن استناد میکند. اما در عین حال، همین غیر دولتی بودن مانع از آن نمیشود که:

·بیمه شدگانِ تأمین اجتماعی (که غیر دولتی هستند) مالیات بپردازند.
·مردمِ عادیِ غیر بیمه شده (که غیر دولتی هستند) مالیات بپردازند.

این یک تناقضِ آشکار است که نشان میدهد استدلالِ دولت، صرفاً یک بهانه برای توجیهِ تبعیض است، نه یک اصلِ حقوقی.

🔸بخش دوم :مانورِ آزمایشیِ همسانسازی؛ تمرینی برای تغییرِ پارادایم

الف) ابعادِ آزمایشیِ طرحِ همسانسازیِ حقوقِ بازنشستگانِ کشوری، با استفاده از یک درصدِ مالیات بر ارزش افزوده، در چارچوبِ برنامه ی هفتم توسعه اجرا شد. این طرح، در واقع یک مانورِ آزمایشی و بی سروصدا برای آزمودنِ مواردِ زیر بود:

·سطحِ پذیرشِ اجتماعیِ مالیات به جای حق بیمه: دولت می خواست ببیند که مردم تا چه حد با این تغییرِ پارادایم (مالیات به جای بیمه) کنار میآیند و آیا واکنشِ منفیِ گسترده ای شکل میگیرد یا خیر.
·ساختارِ فنیِ وصولِ مالیات: دولت میخواست تواناییِ سازمانِ مالیاتی را در وصولِ منظم و سریعِ این منابع آزمایش کند.
·تأثیرِ آن بر نقدینگیِ مردم: دولت می خواست فشارِ مالیِ این طرح را بر اقشارِ مختلف، به ویژه طبقاتِ کم درآمد، بسنجد.

ب- نتایجِ مانور برای دولت

·واکنشِ اجتماعی: با وجودِ برخی اعتراضات، واکنشِ عمومی به این طرح، چندان گسترده نبود؛ زیرا مالیاتِ ارزشِ افزوده، به صورتِ پنهان و غیرمحسوس از مردم دریافت میشد. این نتیجه، به دولت اطمینان داد که میتواند این تغییر را به صندوقهایِ دیگر نیز تعمیم دهد.
·ساختارِ فنی: سازمانِ مالیاتی نشان داد که تواناییِ وصولِ این مالیات را به صورتِ منظم دارد. این موفقیت، زمینه را برای واگذاریِ کاملِ تأمینِ منابعِ صندوقها به نظامِ مالیاتی فراهم کرد.
·تأثیر بر نقدینگی: اگرچه فشارِ مالی بر اقشارِ ضعیف بیشتر بود، اما دولت این موضوع را به عنوانِ یک «هزینه ی اجتناب ناپذیر» برایِ حلِ بحرانِ صندوقها هزینه کرد و از آن به عنوانِ یک «تجربه ی موفق» برایِ تعمیمِ طرح یاد نمود.

ج- تعمیمِ تجربه به تمام صندوقها

دولت با استفاده از داده هایِ این مانور، لایحه ی «اصلاح نظام تأمین اجتماعی و ایجاد نظام جدید» را طراحی کرده است. در این لایحه، به صراحت بر واگذاریِ تأمینِ منابعِ سازمان به نظامِ مالیاتی تأکید شده است. این یعنی:

·مالیات بر ارزش افزوده (یا سایرِ مالیاتهایِ غیرمستقیم)، جایگزینِ حقِ بیمه خواهد شد.
·استقلالِ مالیِ سازمانِ تأمین اجتماعی از بین خواهد رفت و منابعِ آن، به بودجه ی سالانه ی دولت گره خواهد خورد.
·این تغییر، نه برایِ بهبودِ وضعیتِ بیمه شدگان، بلکه برایِ تسلطِ بیشترِ دولت بر منابعِ مالیِ صندوقها و استفاده از آنها برایِ جبرانِ کسریِ بودجه، طراحی شده است.

📎بخش سوم :فرار دولت از مسئولیت و شریک کردن مردم در هزینه ها، نه مزایا

۱ .فرار از مسئولیت اصلی

بر اساس اصل ۲۹ قانون اساسی، دولت موظف است از محل درآمدهای عمومی، خدمات تأمین اجتماعی را برای همه افراد کشور تأمین کند. این یعنی:

- **منابع عمومی (مالیاتها) باید صرف تأمین اجتماعی همه مردم شود.**
- **ناترازی مالی صندوقهای بیمه ای دولتی، مسئولیتِ مستقیم بر عهده دولت است و دولت مجاز نیست برای حل این بحران، به جیب مردم دستبرد بزند و از زیر بار این مسئولیت شانه خالی کند.**

اما دولت با این مانور، به جای اینکه:

- **بودجه ی لازم را از محل درآمدهای عمومی به صندوقهای بیمه ای تزریق کند،**
- **یا ساختار مالی صندوقها را اصلاح کند،**
- **یا سهم خود را به عنوان کارفرمای دولتی به موقع پرداخت کند،**

ترجیح داده است که بارِ سنگینِ ناترازیِ صندوقِ کشوری را بر دوشِ همه ی مردم بیندازد. این، مصداق بارز «فرار از مسئولیت» است.

۲ .شریک کردن مردم فقط در هزینه ها، نه مزایا

- **بیمه شدگان تأمین اجتماعی (که خود ماهانه حق بیمه پرداخت میکنند) و بیمه نشده ها (که هیچ ارتباطی با صندوق کشوری ندارند)، مجبور هستند از طریق مالیات، هزینه ی همسانسازی حقوق بازنشستگان کشوری را بپردازند.**
- **اما در مقابل، هرگز از مزایای این همسانسازی بهره مند نمیشوند، زیرا این طرح، صرفاً به صندوق کشوری اختصاص دارد.**

این یعنی:

- **دولت، مردم را فقط در هزینه ها شریک میکند، نه در مزایا.**
- **مردم، بارِ بحرانی را به دوش میکشند که خود، هیچ نقشی در ایجاد آن نداشتهاند.**

۳ .مصداق بارز ضربالمثل <u>»خرج که از کیسه ی مهمان بود، حاتم طایی شدن آسان بود«</u>

دولت با این مانور، به راحتی و با گشاده دستیِ تمام، از جیبِ مردم هزینه میکند، اما وقتی نوبت به پاسخگویی و تأمینِ مزایا میرسد، خود را کنار میکشد و می گوید: «این پول، مالِ صندوقِ کشوری است.»
این دقیقاً همان چیزی است که ضرب المثل معروف به آن اشاره دارد:
»خرج که از کیسه ی مهمان بود، حاتم طایی شدن آسان بود«.

🔸بخش چهارم :نقد حقوقی و اقتصادیِ تغییرِ پارامتر

۱ .نقض آشکار اصل عدالت بیمه ای و مالیاتی

·یک فرد بیمه نشده که هرگز از خدمات تأمین اجتماعی استفاده نکرده، هزینه ی تأمین اجتماعی دیگران را میپردازد.
·یک کارگر بیمه شده که ماهانه حق بیمه خود را پرداخت میکند، به طور مضاعف از طریق مالیات نیز هزینه ی دیگری را متحمل میشود.
·مالیات از همه گرفته میشود، اما خدمت آن فقط به یک گروه خاص (بازنشستگان کشوری) تعلق میگیرد.

۲ .عدم وجود سقف منطقی برای کسر از تراکنشهای بانکی
·کارگر ساده ای که برای خرید لوازم ضروری زندگی، چندین تراکنش کوچک انجام میدهد، دقیقاً به اندازه یک تاجر بزرگ که تراکنشهای کلان دارد، یک درصد مالیات می پردازد. اما ارزش نسبی این یک درصد برای کارگر، به مراتب سنگین تر از تاجر است.
·این وضعیت، عدالت مالیاتی را نقض کرده و به یک مالیات تصاعدی معکوس تبدیل میشود.

۳ .وابسته کردن منابع صندوق به بودجه سالانه ی دولت

·در سالهایی که دولت با کسری بودجه مواجه است، ممکن است منابع صندوقها نیز با تأخیر یا کاهش پرداخت مواجه شوند.
·استقلال صندوقها از بین میرود و عملاً به یک نهاد هزینه ای زیر نظر دولت تبدیل میشوند.

🔸بخش پنجم :چه کسی از این تغییر سود میبرد و چه کسی ضرر میکند؟

گروه های در گیرسود

–کارفرمایان بزرگ :
سود کلان با انتقال بار تأمین مالی به مالیات مصرف، سهم آنها از حق بیمه به شدت کاهش مییابد.
–دولت :
سود نسبی با افزایش درآمدهای مالیاتی و کنترل بیشتر بر منابع صندوقها، میتواند از آنها برای جبران کسری بودجه استفاده کند.
چه کسانی در این نظام جدید)مالیات به جای حق بیمه (ضرر می کنند ؟
–بیمه شدگان:
بیمه شدگان با درآمد ثابت ، هم حق بیمه خود را پرداخت میکنند، هم از طریق مالیات مصرف، هزینه مضاعفی متحمل میشوند.
–مردم عادی (بیمه نشده)
ضرر کلان آنها این است که ، بدون اینکه از خدمات تأمین اجتماعی بهره مند شوند، مجبور به پرداخت هزینه آن از طریق مالیات هستند.
–بازنشستگانِ غیرکشوری:
ضرر کلان آنها این است که نه تنها از خدمات اخذ مالیاتِ همه بهره مند نمی شوند ، بلکه در عین حال، مانند بیمه شدگانِ کنونیِ صندوقِ خود، مجبور به پرداخت مالیات برای صندوقی دیگر هستند.

🔸نتیجه گیری نهایی :دولت، بحران را به دوشِ مردم انداخته است

نکته تحلیل نهایی
ماهیت مانور کسر یک درصد از مالیات بر ارزش افزوده، یک مانور آزمایشی برای تغییر پارامتر تأمین مالی بوده است.
نقض عدالت بیمه ای همه ی مردم هزینه ی یک خدمتِ خاص را پرداختند، اما فقط یک گروه خاص از آن بهره مند شدند.
نقض عدالت مالیاتی عدم وجود سقف منطقی و شمولیتِ همگانی، منجر به عدالت مالیاتیِ معکوس شده است.

تهدید استقلال صندوقها :
وابسته کردن منابع صندوق به بودجه ی سالانه ی دولت، استقلال مالیِ صندوقها را از بین میبرد.
فرار از مسئولیت دولت به جای پرداختِ سهمِ خود از بودجه ی عمومی، بارِ ناترازی را به دوشِ همه ی مردم انداخته است.

-شریک کردن مردم در هزینه ها
مردم در هزینه ها شریک هستند، اما در مزایا نه.
تناقضِ استدلال دولت،
تأمین اجتماعی را به دلیل «غیر دولتی بودن» از مالیات محروم میکند، اما مردمِ غیر دولتی را موظف به پرداختِ مالیات برای صندوقی دیگر مینماید.
نقض برابری بازنشستگان
بازنشستگانِ کشوری از مزایایِ مالیاتِ آحاد مردم بهره مند میشوند، اما بازنشستگانِ تأمین اجتماعی از این مزایا محروم هستند.
هدف نهایی
این مانور، زمینه سازی برای تغییرِ کاملِ پارامترِ تأمین مالی در لایحه ی جدید بود؛ تغییری که استقلالِ مالیِ سازمان تأمین اجتماعی را برای همیشه از بین خواهد برد.

🎯هشدار نهایی و توصیهی عملی

این مانورِ آزمایشی، به خوبی نشان داد که دولت برای حلِ بحرانِ ناترازیِ صندوقهایِ بیمه ایِ خود، نه تنها از مسئولیتِ خود شانه خالی میکند، بلکه با شریک کردنِ مردم در هزینه ها (و نه مزایا)، یک سیستمِ ناعادلانه و تبعیض آمیز را طراحی کرده است. این دقیقاً همان مسیری است که در لایحه ی جدید نیز دنبال میشود؛ جایی که تأمین اجتماعی، به تدریج از حق بیمه به مالیات تغییر پارامتر میدهد و استقلالِ مالیِ خود را از دست میدهد.

لازم است کارگران، بازنشستگان و نمایندگانِ اصناف، با استناد به مواردِ فوق، مغایرتِ این تغییر را با اصول ۱۹، ۲۹ و ۴۷ قانون اساسی و همچنین مواد ۴۱ و ۵۴ قانون تأمین اجتماعی، به دیوانِ عدالتِ اداری و کمیسیونِ اجتماعیِ مجلس ارائه دهند و خواستارِ لغوِ این تغییرِ پارامتری و الزامِ دولت به پرداختِ سهمِ واقعیِ خود از بودجهی عمومی شوند.

فصل پنجم : پیوست حقوقی

پیوست : نامه اعتراضی به کمیسیون اجتماعی مجلس

موارد مغایرت لایحه با قوانین بالادستی:

۱ .مغایرت با اصل ۲۹ قانون اساسی (تکلیف دولت به تأمین درمان)
۲ .مغایرت با مواد ۵۴ و ۵۵ قانون تأمین اجتماعی (تعهد سازمان به درمان رایگان و خرید خدمت)
۳ .مغایرت با ماده ۸۹ قانون تأمین اجتماعی (کسر ۲ درصد از مستمری بابت درمان)
۴ .مغایرت با اصل ۴۷ قانون اساسی (مصونیت مالکیت مشروع)

سخنی با خوانندگان عزیز
شما میتوانید برای حذف این لایحه مخرب از دستور کار تصویب پیشنهادات ذیل را ملاحظه بفرمایید ؛

✅پیشنهادات عملی مقابله با طرح اصلاح قانون تأمین اجتماعی:

۱ .ارسال برای رسانه های کارگری: این پرونده را برای خبرگزاریهایی مانند ایلنا، کار و کارگر، تعاون و همچنین کانالهای تلگرامی و اینستاگرامی فعال در حوزه کار ارسال کنید. عنوان پیشنهادی" :پرونده افشای نقشه انحلال تأمین اجتماعی."

۲ .تقدیم به کمیسیون اجتماعی مجلس: یک نسخه چاپی از این پرونده را به همراه نامه تنظیم شده (پیوست ۱) به دفتر اعضای کمیسیون اجتماعی مجلس ارسال کنید. میتوانید از طریق سامانه «دیدار مردمی» نمایندگان، درخواست ملاقات حضوری دهید و پرونده را تقدیم کنید.

۳ .انتشار در فضای مجازی: بخشهایی از جوابیه ها (هر کدام جداگانه) را به صورت کارت پستهای متنی درآورده و با هشتگهای زیر منتشر کنید:

·نه_به_انحلال_تامین_اجتماعی
·تامین_اجتماعی_میراث_کارگران
·بدهی_۵۰۰_همتی_دولت
·درمان_رایگان_ماده_۵۴

۴ .تشکیل یک کارگزار حقوقی: پیشنهاد میکنم با چند حقوقدان کارگری و فعال صنفی، یک تیم پایش لایحه تشکیل دهید تا هرگونه تغییر در متن لایحه را رصد کرده و پاسخهای حقوقی به روز ، تولید کنید.

🔰سخن پایانی
»تأمین اجتماعی، حاصل سالها مبارزه، زحمت و ایثار کارگرانی است که با دستان پینه بسته خود، این سرمایه عظیم را بنا نهادند. این سرمایه، نه تنها پشتوانه درمان و بازنشستگی آنهاست، بلکه نماد کرامت و عزت طبقه کارگر در ایران است. هرگونه تعرض به این میراث، نه فقط خیانت به نسل حاضر، بلکه سلب امنیت از نسلهای آینده است«.

در این راه، هرچند که میدان سیاست و اقتصاد پر از پیچ وخم است، اما حقیقت و عدالت همواره پشتیبان کسانی است که با آگاهی و شجاعت، در دفاع از حقوق محرومان قلم میزنند.

پیروز، سربلند و مانا باشید🌹.

مهران نظری

تابستان ۱۴۰۵

این محتوا به قلم آقای مهران نظری و بخش نرم افزاری کانال خبری صبارسانه در تلگرام تهیه شده است.

لینک کانال خبری صبارسانه :

https://t.me/saba_rasanehh